مدیریت شهری
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017
۳۰۱-۳۱۶
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۴/۱۲ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۱/۲۸

تحلیل و ارزیابی عوامل مؤثر بر انسجام کالبد شهری در فضاهای عمومی واقع در بافت‌های تاریخی (نمونه موردی: مرکز محله شهیدگاه اردبیل)

علی شرقی - استادیار گروه معماری دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.
مسعود علیمردانی - استادیار گروه شهرسازی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.
یوسف جهان زمین - استادیار گروه معماری دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
شهرزاد جهان زمین* -دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

چکیده
شهرها و فضاهای شهری، همانند بسیاری از مصنوعات ساخت دست بشر، در گذر زمان دچار فرسودگی و تأثیرات ناشی از آن در کالبد و عملکرد خود می‌باشند. عدم تصمیم گیری به موقع سازمان های دولتی برای کاهش تأثیر فرسودگی بر کالبد و فقدان هماهنگی بین آن ها، در کنار کمرنگ شدن حس تعلق شهروندان به مکان، منجر به عدم حفاظت و نگهداری از بافت ها و در نتیجه تشدید فرسودگی آن ها گشته است. تمام این رویدادها عاملی برای از میان رفتن انسجام کالبدی در بافت و ایجاد حس عدم یکپارچگی در ذهن شهروندان می شود. با توجه به اینکه بافت‌های تاریخی هر شهر، حافظه تاریخی یک ملت و بخش‌های جدایی‌ناپذیر و هویت‌بخش آن شهر هستند، جاری ساختن مجدد زندگی شهری در آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این امر می‌تواند از طریق بازنگری در فضاهای عمومی رهاشده در بافت های تاریخی و تجدید حیات آن ها به‌عنوان محل‌هایی برای برقراری تعامل اجتماعی شهروندان، صورت پذیرد. هدف از انجام این پژوهش، شناخت عوامل انسجام بخش به فراموشی سپرده شده یا کم اثر شده بافت‌های تاریخی، تحلیل آنها، ارائه راهکارهایی کارآمد برای پیوند فضاهای عمومی واقع در بافت های تاریخی با شهر به صورت یک کلیت یکپارچه با استفاده از عوامل منتج از پژوهش می باشد. به ویژه آنکه بازنگری توأم با تجدید حیات این فضاها، علاوه بر اعتلای مناسبات درون بافتی، می تواند به رونق صنعت گردشگری و مآلاً بهبود وضعیت اقتصادی- اجتماعی شهر منجر گردد. برای رسیدن به این منظور از روش‌های تحقیق اسنادی (کتب، مقالات و طرح‌های فرادست) و میدانی (گشت زدن و عکس‌برداری از محیط) بهره گرفته‌شده است که در انتها با تحلیل و نتیجه‌گیری از آن‌ها، به عوامل ناکارآمدی اصلی (از جهت انسجام و یکپارچگی کالبدی) مرکز محله شهیدگاه اردبیل به‌عنوان یک فضای عمومی واقع در بافت تاریخی ارزشمند، پرداخته شده و پس از تحلیل این عوامل، راهکارهایی برای بهبود وضعیت موجود، ارائه می گردد. شایان توجه است که رفع مشکلات یک بافت تاریخی و رسیدن به یک وضعیت مطلوب، نیازمند راهکارهایی بنیادی تر، با صرف زمان و هزینه بیشتر خواهد بود.

واژگان کلیدی: انسجام کالبدی، فضاهای عمومی، بافت تاریخی، شهیدگاه اردبیل.

Analysis and Evaluation of Factors Affecting the integrity of the urban fabric in public spaces in historical contexts; (Case Study: Neighborhood Center shahidghah in ardabil)

Abstract
Cities and urban areas, as well as many artifacts of human, suffering from wear and tear over time and the effects are caused by the body and its functions. Failure to make timely decisions government agencies to reduce the effects of aging on the body and lack of coordination between them, in the fading sense of belonging citizens to place, leading to a lack of protection and maintenance of tissues and thus exacerbate the wear and tear it has become. All these events contributed to the loss of structural integrity of the tissue and create a sense of integrity in the minds of citizens. Considering that historic areas of the city, the historical memory of a nation and an integral and identifying parts of the city are now rebuilding their city life is important. This can be through review and revitalization of public spaces, abandoned in their historical context as places for social interaction of citizens take place. The aim of this study is to identify factors cohesion forgotten or little effect in historical contexts, analysis, offering solutions efficient to link public spaces located in the historical context of the city as a whole integrated using factors derived from research. In particular, review, along with the revitalization of these areas, in addition to the promotion of relations within the tissue can ultimately improve tourism and socio-economic status of lead. To achieve this purpose, research methods documents (books, papers and projects upstream) and field (patrol and shoot from the perimeter) interest taken at the end of the analysis and conclusions of the elements of inefficiency of the original (in terms of integrity physical) shahidghah neighborhood center Wiki as a public space located in a valuable historical context, and after analyzing the factors discussed, ways to improve the situation, offered. It is noteworthy that the problems in a historical context and reach a favorable situation require a more fundamental solutions, time and cost will be higher.

Keywords: body integrity, public spaces, historical context, shahidghah Ardabil.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۶۵۴۳۳۲۴۱ ؛ رایانامه: jahanzamin2012@yahoo.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

۱- مقدمه

انسان همواره در پی یافتن جوهر وجودی و اصل خویش بوده است و این باور که کل کائنات از یک وحدت و انسجام کلی در عین کثرت برخوردار است، همواره وی را به توجه دقیق‌تر نسبت به محیط پیرامون و درعین‌حال محل زندگی وی یعنی شهر فرامی‌خواند. درگذشته بخشی از هویت افراد بر اساس شهر محل زندگی آنان تعریف می‌شد، اما امروزه با چندپاره شدن بافت‌های شهری که به‌طور مشخص از دوران پهلوی اول و خیابان‌کشی‌هایی به سبک غرب آغاز شد، شاهد از بین رفتن انسجام و یکپارچگی کلی شهرها در درجه اول و تضعیف هویت موجود در شهرها و درنتیجه به فراموشی سپرده شدن بخشی از هویت انسانی در درجات بعدی، هستیم. بنابراین پرداختن به مسئله چندتکه شدن بافت‌ها، بررسی معضلات ایجادشده براثر این رویداد و راهکارهایی برای احیا و اتصال مجدد بخش‌های جدا افتاده درون شهرها، حائز اهمیت فراوانی می‌باشد. امید است در این پژوهش، با بررسی مفهوم پیوستگی در شهرها که تبیین آن امری سهل و ممتنع است، بتوان راهکارهای اجرایی مناسبی جهت بازآفرینی مؤثر فضاهای شهری و پیوند آن با کلیت کالبد شهری به‌مثابه یک پیکر منسجم و درنتیجه ارتقای هویت شهری تضعیف‌شده انسان‌ها، ارائه نمود.

۱-۱- پیشینه تحقیق

به دلیل سهل و ممتنع بودن موضوع انسجام و پیوستگی، افراد متعددی در مورد آن در حوزه‌های مختلف علمی نظیر فلسفه، ادبیات، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، هنر، معماری و شهرسازی، فیزیک، ریاضیات، شاخه‌های گوناگون مهندسی و ... کتب، مقالات و پژوهش‌های بی‌شماری را به انجام رسانده‌اند. در میان معماران و شهرسازان نیز به‌جرئت می‌توان بیان نمود، اکثر صاحب‌نظران این رشته به‌صورت مبهم و به‌اجمال، مفاهیمی را در این باب ارائه نموده‌اند که از میان آنان، کریستوفر الکساندر، بیش از سایرین به تبیین این مطلب پرداخته است. با توجه به تعدد آرا، سعی شده است تا دیدگاه افرادی که با تأکید بیشتری بر واژه پیوستگی و یکپارچگی اشاره داشته اند، مورد بررسی قرار گیرد. فقدان توافق نظرات در این حوزه موجب نوآوری در موضوع و باقی ماندن آن در سطح ابتدایی تئوری و عملی و دشوار گشتن پژوهش‌های آتی می‌گردد.

۱-۲- مبانی نظری

الف- فضاهای عمومی

اختلاف قائل شدن بین فضای عمومی و خصوصی امری است به قدمت تاریخ شهرسازی. انسان میان عرصه‌های عمومی و خصوصی در رفت‌وآمد است. عرصه خصوصی، فضای تنگ منزل و مسکن است و عرصه عمومی در پیرامون آن متمرکز است. وجه تمایز اصلی فضای خصوصی و عمومی این است که پیرامون فضای خصوصی بسته است و تنها افراد خاصی اجازه ورود به آنجا رادارند (گروتر، ۱۳۸۸). درگذشته در شهرهای بزرگ یونان یا رم، فضاهای عمومی قبل از هر چیز مکانی مخصوص برای نمایش قدرت حکومت بود و علاوه بر ویژگی کاربردی، تقریباً همیشه بعدی تزئینی به‌منظور تجلیل از قدرت همگانی و تقدیس آن داشت (موره، ۱۳۷۳). فضاهای عمومی شهری ازنظر الکساندر و چرمایف این‌گونه تعریف می‌شود: جاها و تسهیلاتی که متعلق به عموم است، مانند شاهراه‌ها، جاده‌ها، راه‌ها و پارک‌های شهری (Chermayeff & Alexander, ۱۹۶۶).

فرانسیس تیبالدز نیز عرصه عمومی را چنین تعریف می‌کند: «عرصه‌های عمومی، مهم‌ترین بخش شهرها و محیط‌های شهری هستند. در چنین عرصه‌هایی، بیشترین تماس، ارتباط و تعامل بین انسان‌ها رخ می‌دهد. این عرصه‌ها تمام بخش‌های بافت شهری را که مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند، دربر می‌گیرد؛ بنابراین، این مکان‌ها از خیابان‌ها، پارک‌ها و چهارراه‌ها تا ساختمان‌های

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

محصورکننـده آن‌ها را شـامل می‌شـود» (Tibbalds, ۲۰۰۵). زوکیـن فضـای شـهری را فضاهایـی کـه، به‌طـور فیزیکـی و مکانـی، به‌عنـوان مراکـز جغرافیایی و نمادیـن، یـا به‌عنـوان نقـاط تجمعـی کـه غریبه‌هـا بـا آشـناها درمی‌آمیزنـد، معنـی می‌کنـد (Zukin, ۲۰۱۲). فضاهـای عمومـی، آن دسـته از فضاهـا می‌باشـند کـه «عموم شـهروندان بدون نیـاز به کنترل و غیـره حق ورود و حضور در آنـان را دارند»، فضاهایی چـون خیابان‌هـا، پارک‌هـا، میدان‌ها، بازارها و مسـاجد. ایـن دسـته از فضاهـا به‌واسـطه مقیـاس عملکـردی و همچنیـن طیـف متنـوع و گسـترد مخاطبیـن خـود دارای بیشـترین سـهم در حیـات جمعـی شـهروندان می‌باشـند، ازایـن‌رو ارتقـاء کیفـی ایـن دسـته از فضاها بیش از سـایر انـواع فضاها موجب ایجاد جامعه شـهری سـالم و شـکوفا خواهـد شـد (پاکـزاد، ۱۳۸۶).

آگـورای یونـان باسـتان شـاید یکـی از معروف‌تریـن فضاهـای عمومـی در کل تاریـخ باشـد کـه میـدان عمومـی شـهر و محلـی بـرای گردهمایـی مـردم بـوده اسـت. «آگـورا مکانـی بـوده کـه در آن فعالیت‌هـای اقتصـادی، سیاسـی و فرهنگـی دوشـادوش سـایر فعالیت‌هـا صـورت می‌گرفتـه و به‌عنـوان ظرفـی فراگیـر بـرای زندگـی اجتماعـی شـهر تلقـی می‌شـده اسـت» (Madanipour, ۲۰۰۵). به‌تدریـج و همـراه بـا رشـد انـدازه فضـای شـهری و تخصصـی شـدن آن ایـن یکپارچگـی جـای خـود را بـه تنـش میـان فضای عمومـی و خصوصـی در شـهرهای قرون‌وسـطایی داد. شـهرهای قرون‌وسـطایی در تقاطـع مسـیرهای تجارت شـکل‌گرفته و فضـای غیردینـی را بـرای تبـادلات تجـاری فراهـم کردنـد. فضـا در آن‌هـا بـر اسـاس منافـع تجـاری کـه در رقابـت بـا یکدیگر بودند شـکل می‌گرفـت. در بیـان سـیر تحول فضای عمومی شـهرها پـس از قرون‌وسـطی می‌تـوان بیـان نمـود کـه: فضای عمومی در دوران رنسـانس و باروک مانند ویترینی بود کـه بـا دقـت به‌صـورت متقـارن طراحی‌شـده و فضای خصوصـی در پس ردیف‌های سـاده امـا مرتبی از نمای سـاختمان‌ها پنهـان می‌ماندنـد (Madanipour, ۲۰۰۵). بـا شـروع عصـر وسـایل نقلیـه موتـوری در قـرن بیسـتم بعد کاربـردی فضا غلبـه پیدا کـرد و بعد نمایشـی آن از رونـق افتـاد. خیابان و محـل عبور پیاده بایـد حذف می‌شـد و مکان‌هـای گردهمایـی نیز درون سـاختمان‌های عظیـم قـرار می‌گرفـت. دوران مـدرن در پـی ایـن بـود تـا فضـای عمومـی را به شـکل پارک در بیـن سـاختمان‌های بلندمرتبـه قـرار دهـد؛ البتـه ایـن نـوع فضـا به‌خوبـی تعریف‌نشـده و بی‌اسـتفاده باقـی می‌مانـد و نوعـی فضـای گمشـده اسـت، یعنـی جایـی کـه هیچ‌یـک از عملکردهـای فضایـی عمومـی قابل‌دسـترس نیسـت (Madanipour, ۲۰۰۵).

ب- بافت تاریخی

بافـت تاریخـی از مهم‌تریـن بخش‌هـای هویتـی هـر جامعه محسـوب می‌شـود و پیدایش آن پیرو اطاعت از سـاختارهای اقلیمی و فرهنگی است (فلامکی، ۱۳۸۴). عبـارت بافـت تاریخـی امـروزه، به‌وفـور مورد اسـتفاده قـرار می‌گیـرد و در ذهـن هر شـنونده‌ای، تداعی‌کننده تصویـری خـاص اسـت امـا در صـورت ارائـه تعریفی از بافـت تاریخـی شـهرها بایـد ایـن واژه را، واژه‌ای نـو و متعلق به ادبیات معماری و شهرسـازی معاصر دانسـت کـه اجمـالاً بـه بافت‌هـای ماقبـل دوران معاصـر اطلاق می‌گـردد. بر این اسـاس، گونـه‌ای از بافت‌های شـهری را کـه در کشـور ما بـه دوره‌های تاریخـی ماقبل دوران پهلـوی بازمی‌گـردد را می‌تـوان در زمـره بافت‌هـای تاریخـی قلمـداد نمود کـه گاهی نیز بنا بـه ویژگی‌های خـاص و بهره‌گیـری از الگوهـای ویـژه و ریشـه‌دار معمـاری و شهرسـازی ایرانی، برخـی بخش‌های متعلق بـه دوره پهلـوی اول را نیز شـامل می‌شـود (بیگ زاده، ۱۳۹۲). مجموعـه‌ای منسـجم از معمـاری، فرهنـگ، اقتصـاد و تبـادلات اجتماعـی یـک سـاختار شـهری با پیشـینه تاریخـی باعث می‌شـود که بافت‌هـای تاریخی به‌مرورزمـان پدیـد آینـد. لازمـه ایـن پیدایـش اهمیت بخشـیدن بـه اقلیـم و توجـه بـه فرهنگ‌هـای بومـی منطقـه اسـت (موحـد، ۱۳۸۶). بافـت تاریخی شـهرها دارای مشـخصاتی چـون قدمـت تاریخی، بافت فشـرده و درهم‌تنیـده اسـت، وجـود بافـت تاریخـی متمایـز از

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

سایر بافت‌های شهر بر اهمیت و جذابیت آن شهر می‌افزاید و کل بافت تاریخی شهر را به‌عنوان یک جاذبه مطرح می‌کند (دیناری، ۱۳۸۴). به لحاظ شکلی نیز بافت‌هایی که در دوره‌های تاریخی ماقبل پهلوی شکل گرفته‌اند عموماً تابع نظام‌های شهری و کالبدی شهرهای سنتی ما هستند. حال آنکه نحوه شکل‌گیری بافت‌های شهری، پس از آغاز دوران پهلوی، به‌تدریج از نظامات سنتی شهرها فاصله گرفته و تعاریف محتوایی و اشکال صوری متفاوتی از فضاها و الگوهای شکل‌گیری بافت‌های شهری را در برمی‌گیرد. در زیر به مهم‌ترین معیارها و شاخص‌های ارزش‌گذاری بافت‌های تاریخی شهرها اشاره می‌گردد: (بیگ زاده، ۱۳۹۲): قدمت، وحدت، اصالت تاریخی و معماری و عدم مداخله، حیات اجتماعی و اقتصادی، ارزش‌های معماری و بداعت و غنای الگوها، ارزش‌های تاریخی و خاطرات جمعی، ارتباط با طبیعت و همسازی با بستر طبیعی.

ج- انسجام (کلیت و یکپارچگی)

این واژه در معنای ادغام شدن در یک کل و مشارکت در واحدی بزرگ‌تر و یکی شدن با چیزهایی دیگر به کار می‌رود. انسجام را می‌توان با استناد به تعریف جامعه شناسان، فرآیند سازمان دهنده نظم فضایی دانست که واحدهای فضایی منفک را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. عواملی که می‌توانند به‌عنوان نشانه‌ای از درک پیوستگی و انسجام در شهر شناخته شوند عبارت‌اند از: هماهنگی، تناسب، تقارن، ریتم و مقیاس انسانی (تولایی، ۱۳۸۶). نظم حاکم بر آثار و بقایای به‌جامانده از شهرهای قدیمی ما نشانه وجود وحدت در آن آثار است؛ بافت این شهرها، گرچه در درون و محتوا، دارای کثرت بوده‌اند، ظاهری منسجم داشته و وحدت را در شکل حفظ کرده‌اند (تولایی، ۱۳۸۶). ارسطو، جهان را به موجودی زنده تشبیه کرده است که در آن هر جز، مکان و عملکرد مناسب خود را دارد و همه با یکدیگر کار می‌کنند تا یک کل واحد را تشکیل دهند (Norton, ۱۹۹۴). توسلی (۱۳۶۹)، در مطالعات خود درباره یکپارچگی و فضاهای شهری در شهرهای کویری به ۸ اصل زیر رسیده است:

۱- اصل فضای داخلی و اصل فضای خارجی: فضای داخلی مانند حیاط مرکزی‌ها (محاط در خانه)، و فضاهای خارجی مانند میدان‌ها و تکایا (محاط درون بناهای عمومی)، در شهرهای گذشته از جهت درون‌گرایی شبیه یکدیگر بودند.

۲- اصل هم پیوندی واحدهای مسکونی و عناصر شهری: در شهرهای قدیمی ایران، واحدهای مسکونی با حیاط مرکزی به یکدیگر پیوسته‌اند و مجموعه‌ای یکپارچه را ایجاد می‌نمایند.

۳- اصل محصوریت فضا: از این اصل به‌عنوان نخستین اصل حاکم بر طراحی مکان‌های شهری هم نام‌برده می‌شود که عناصر محصورکننده فضاهای شهری، عمدتاً عناصر شهری، محله‌ای و خانه‌ها هستند که در ایران در بسیاری از شهرها، بدنه‌ای از طاق‌نماها و غرفه‌های مکرر به‌صورت متقارن یا متعادل، فضا را محصور می‌کنند.

۴- اصل مقیاس و تناسب: مقیاس رابطه بین اندازه یک فضا یا یکشی با فضاها و اشیای اطراف آن است و تناسب در مفهومی مستقل از اندازه و به معنای رابطه ابعاد گوناگون یک فضا و یک شیء می‌باشد. این اصل، به حفظ مقیاس انسانی، تناسب و تقارن مستقل در شهرهای قدیمی ایران اشاره دارد.

۵- اصل فضاهای متباین: در طراحی چنین فضاهایی از تغییر مقیاس، رنگ و خصوصیت محصور نمودن فضاها استفاده می‌شود (به‌گونه‌ای که ناظر درحرکت خود، آن را ازنظر بصری احساس نماید.) که درگذشته، پهن و باریک شدن فضا یا سرباز و سربسته بودن آن‌ها، دو خصوصیت فضاهای متباین به‌حساب می‌آمد.

۶- اصل قلمرو: در شهرهای قدیمی ایران، سه فضا با خصوصیت متفاوت از یکدیگر وجود دارد:

الف) فضای خصوصی شامل حیاط‌ها و عناصر دربرگیرنده آن‌ها،

ب) فضای نیمه‌خصوصی- نیمه عمومی شامل

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

بن‌بست‌های اختصاصی و یا هشتی متصل به چند خانه،
ج) فضای عمومی شامل گذرها و میدان‌ها.
۷- اصل ترکیب: درصورتی‌که بناهای گوناگون باهم ترکیب شوند و فضایی را محصور نمایند، لازم است میان این بناها، آن‌چنان هماهنگی ازنظر وحدت شکل برقرار باشد که بدنه محصورکننده به‌رغم داشتن ساختمان‌های مختلف، مجموعه‌ای پیوسته و هماهنگ را تشکیل می‌دهد.
۸- اصل آگاهی از فضا: معماری درواقع، حجم و فضاست و طراحی در حقیقت برقراری رابطه میان این دو است. بررسی شهرهای تاریخی ایران، سلسله مراتبی از فضاهای متنوع بین ساختمان‌ها را نشان می‌دهد.
پاتریک گدس و شاگردش لوئیس مامفورد، بر استعاره پرتوان «سازمند» تأکید داشتند که در نظریه‌های شهرسازی، تأثیر به سزایی به‌جا گذاشته است. آن‌ها عقاید خود را از شوالیه دولا مارک، گیاه‌شناس فرانسوی و فردریک لوپله، جامعه‌شناس قرن ۱۹ میلادی اقتباس کرده‌اند. بر این اساس، مفاهیم اصلی تفکر سازمندگرای آن‌ها در شهرسازی را، «رشد، نوسازی و بازآفرینی» تشکیل می‌دهد که درنهایت به ایجاد یک کل می‌انجامد (Geddes, ۲۰۱۲). به نظر مامفورد نیز مفهوم شهرسازی سازمند، با کلیت و انسجام بیش‌ازحد همراه است که در آن، همه‌چیز در جهت اهداف عمومی تشکیل داده‌شده و در تقابل با منافع ساده شخصی است؛ وی همچنین تأکید می‌نماید که شهرسازی سازمند، برخلاف اتفاقی بودن نظم آن، گاه به یک طرح آگاهانه، منسجم و وحدت یافته منجر می‌شود و الگویی را می‌سازد که گویی، یک نظریه هوشمندانه، آن را هدایت کرده است (Mumford, ۲۰۰۹). کوین لینچ نیز برای تبیین مفهوم مورد نظر خود در مورد کلیت و یکپارچگی مدلی از شهر سازمند ارائه می‌دهد؛ به نظر او اگر شهر، موجودی زنده است، باید دارای ویژگی‌هایی باشد که آن را از یک ماشین متمایز می‌سازد؛ یک موجود زنده، ساختاری منسجم، موزون و مستقل با محدوده‌ای مشخص و اندازه‌ای معین است و درعین‌حال، پیوند اجزای آن، چنان نزدیک است که امکان تعیین محدوده آن‌ها به‌طور مشخص وجود ندارد (Lynch, ۲۰۰۱). ابر کرومبی نیز شهرسازی را فراتر از مهندسی، بهداشت و اقتصاد شهری تلقی و نتیجه شهرسازی سازمند را موجودی زنده و اجتماعی و اثری هنری معرفی می‌نماید. وی در احیای دو مفهوم محله و ناحیه شهری، نقش مؤثری داشت و سعی کرد تا ساختار فضایی کاملاً منسجمی برای لندن طراحی نماید؛ او همچنین، به تکامل طبیعی شهر درنتیجه مطالعه مکان و روابط ظاهری آن گرایش داشت و معتقد بود که شهرسازان پیش از طراحی، به شناخت ساختارهای سازمند شهرها و محله‌ها نیازمند هستند (Hall, ۱۹۹۵; Abercrombie, ۲۰۰۱).
ادموند بیکن نیز که از نام‌آوران شهرسازی معاصر است در کتاب «طراحی شهرها»، محور اصلی بحث خود را درباره شکل شهر سازمان داد و آن را مظهر والاترین آرمان‌های تمدن بشری و برآیندی از خواست و اراده مردم معرفی نمود. وی در سراسر این کتاب از واژه‌هایی نظیر ارتباط، وحدت، یگانگی، اتصال، انسجام، پیوند و تداوم سخن به میان آورده است در درک اندیشه وی اهمیت بسیار دارد. سعی او بر این است تا میان عناصر و اجزای طراحی شهری (توده و فضا)، رابطه‌ای برقرار کرده و درنهایت اجزا را به‌کلی بزرگ‌تر پیوند دهد و از این طریق بتواند انسان را با بی‌نهایتی که در جستجوی آن است، مرتبط و متصل سازد (Bacon, ۱۹۹۲). ترانسیک نیز پنج اصل کالبدی را برای یک طراحی منسجم شهری برمی‌شمارد: (Trancik, ۱۹۸۶)
الف) اتصال شبکه‌های پی‌درپی که از طریق تناوب بناها در فضا، میان آن‌ها پیوندی ایجاد می‌نماید.
ب) تداوم لبه‌ها از طریق محصور کردن شکاف‌هایی که تداوم دیواره‌های شهری رو به خیابان‌ها و میدان‌ها را از بین می‌برند.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

ج) پل‌سازی منسجم برای حفظ تداوم فضایی به‌عنوان راه‌حلی جهت پر کردن شکاف‌های آسیب‌رسان به تداوم شکل شهر.
د) ایجاد محور و پرسپکتیو برای متصل کردن عناصر جدا از هم از طریق یکپارچگی خطوط و دید.
ه) تلفیق درون و بیرون و ایجاد رابطه میان آن‌ها.
ماتین برای ایجاد وحدت و انسجام در پروژه‌های طراحی شهری، ۵ روش پیشنهاد می‌کند: ۱- ساخت‌وساز در میان مناظر و جدا نمودن ساختمان‌های متضاد از یکدیگر، ۲- ساخت بنا با شکل‌های ساده هندسی برای ایجاد یک ترکیب واحد، ۳- بهره‌گیری از وحدت فضایی و زوایای راست‌گوشه در ساخت بنا برای ایجاد یک ترکیب واحد، ۴- توجه به فضا به‌عنوان مفهوم حیات‌بخش و سازمان دهنده طراحی شهری و ۵- استفاده از ترکیب‌های محوری در نظم دهی و گروهی کردن بناها. (Moughtin, ۲۰۰۸)
الکساندر از روش‌شناسی سیت و لینچ اقتباس کرد تا حس هویت تاریخی را به شیوه‌ای جدید، احیا نماید (King, ۱۹۹۶)، وی مصداق مفهوم کلیت را در نظم سازمند جستجو می‌کند و دراین‌باره می‌گوید: بگذارید با ایده نظم سازمند آغاز نماییم، نظم سازمند یا طبیعی، هنگامی ظاهر می‌شود که میان نیازهای اجزای طبیعت به‌طور انفرادی و کلی، تعادل برقرار شود (Alexander, ۲۰۰۴).
بر اساس نظریات کریستوفر الکساندر، شکل به‌تنهایی قادر به ایجاد یک کلیت نیست، بلکه درون فرآیند بودن، به شهر کلیت و انسجام می‌بخشد، به‌شرط آن‌که فرآیند باهدف ایجاد یک کل یکپارچه و منسجم صورت پذیرد که در غیر این صورت، نتیجه معکوس داشته و آسیب‌رسان خواهد شد (Alexander, ۱۹۸۷). الکساندر نیز رشد آتی هر شیء را حرکت و جنبش به سمت کلیت می‌داند و معتقد است که این رشد از اکنون هر شیء آغازشده است. وی همچنین بیان می‌دارد که کلیت باید محصول فرآیند باشد و قوانین فرمول‌بندی شده، به‌صورت واسطه‌ای عمل می‌کنند زیرا که در بهترین حالت که تعابیر و برداشت‌هایی یکسان نیز صورت می‌گیرد، قابل‌اعتماد و اتکا نبوده و نمی‌تواند به‌صورت مکانیکی تکرار شوند وی در مطالعات خود همواره به بیان عوامل مختلفی که منجر به انسجام‌بخشی در کل یا قسمتی از شهر می‌شوند می‌پردازد که گاه برخی از این عوامل به‌صورت صریح و مستقیم و گاهی دیگر به‌صورت مستتر در میان آثار وی قابل‌مشاهده می‌باشند.
۱) رشد تدریجی و ذره‌ذره: یک کلیت دارای پیچیدگی است و نمی‌تواند در غالب قطعات بزرگ درک گردد.
۲) رشد کل‌های بزرگ‌تر: هدف از طرح اندازی، آفرینش کل‌های بزرگ‌تر است.
۳) ژرف‌نگری و دید: کلیتی در تجربه انسان ایجاد نمی‌شود مگر آن‌که اعمال جزئی به‌واسطه انگیزه‌ها و مضامین انسانی انجام شوند.
۴) فضای شهری مثبت: تجسم دید ژرف بینانه در طراحی کالبدی موجب می‌گردد تا به فضای شهری همچون فضایی منفی و پس‌مانده احداث ساختمان‌ها همان‌گونه که اکنون شاهد آن هستیم، ننگریم.
۵) آرایش بناهای بزرگ: وجود کلیت درون ساختمان‌ها لازمه کلیت در ساخت‌وسازهای گسترده شهر و محله است.
۶) ساختمان: وابستگی کلیت فضای اطراف درگرو کلیت جزئیات ساختمان و جزئیات سازه آن می‌باشد.
۷) شکل‌گیری مراکز: با شکل هندسی تمامی کل‌ها در همه مقیاس‌ها در درون فرآیند سروکار دارد و هر کل باید مرکزی تشکیل دهد و سایر مراکز را اطراف خود ایجاد نمایدکه این مرکز یک چیز است و نه یک نقطه؛ مانند باغ، دیوار، جاده، ساختمان و یا چند عنصر باهم که عموماً باید تقارن ابتدایی و دوطرفه داشته باشد که عملاً امکان‌پذیر نخواهد بود. (Alexander, ۱۹۸۷)

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

سالینگاروس نیز معتقد است که پیوستگی فرم شهری می‌تواند از طریق تئوری تأثیرات متقابل پیچیده نظام‌ها درک گردد. یک مجموعه هندسی از اجزا با رویکرد پیوستگی، به یک مورفولوژی (ریخت‌شناسی) شهری منجر می‌گردد، واضح است که این مورفولوژی (ریخت‌شناسی)، نزدیک‌ترین تشبیه به شهرهای سنتی و شارهاست. قوانین معاصر در مورد فرم شهرها که پیچیدگی و ارتباط در زندگی امروز را توأمان کاهش می‌دهند، قابلیت ایجاد یکپارچگی در شهرها را ندارند، بلکه این پیوستگی شهرهاست که در مورد موفقیت یک شهر تصمیم گرفته و قوانین خود را نیز تعیین می‌نماید (Salingaros, ۲۰۰۰).

پیوستگی هندسی، کیفیتی قابل‌شناسایی است که کل شهر را از طریق فرم به یکدیگر متصل می‌کند و به‌عنوان پیش‌نیازی برای ایجاد سرزندگی در بافت شهری به‌حساب می‌آید. فرم شهرهای یکپارچه، باید قابلیت تغییر داشته و منعطف باشد و بتواند تغییر جهت دهد، گسترش یابد و راه‌های آن متراکم گردد بدون آن‌که کلیت شهر دچار فروپاشی گردد؛ برای رسیدن به این هدف، بافت شهری باید در کوچک‌ترین مقیاس خود با یکدیگر ارتباطی قوی داشته باشند و ارتباط در بزرگ‌ترین مقیاس‌ها را کاهش دهند (Salingaros, ۲۰۰۰).

همچنین نمادها به عنوان محور مطالعات نشانه‌شناسی شهری، گاه باعث انسجام‌بخشی به شهر می‌شوند و گاه انسجام در شکل شهر به‌صورت یک نماد عمل می‌نماید. یکی از ویژگی‌های مهم نماد این است که به‌عنوان یک جز، قادر است تا یک کل را به نمایش بگذارد. در شهرها نیز، گاه یک ساختار واحد یا فضای باز به‌مثابه نماد کل یک شهر معرفی می‌گردد (Doxiadis, ۱۹۷۵). در پاره‌ای از موارد، خط آسمان نیز به‌عنوان شناخته‌شده‌ترین نماد جمعی شهر، در وحدت و انسجام بخشیدن به شکل شهر مؤثر است (Attoe, ۱۹۸۱).

انسجام‌بخشی به شکل شهر، گاه نماد قدرت است؛ میدان‌هایی نظیر نقش‌جهان اصفهان با نماهای متحدالشکل خود بیانگر این حقیقت هستند، همچنین با انجام تدابیری مانند یادمانی کردن برخی از عناصر شهر به‌صورت یک نماد، مجلل ساختن مصالح ساختمانی، توازن اجزا به‌جای بهره‌گیری از ابعاد و اندازه‌های مطلق، استفاده از قرنیز کاری و تداوم سطوح لبه‌ها و دیواره‌ها، ارتفاع و نمای یکسان می‌توان قدرت را در یک محدوده مشخص فضایی نشان داد که این قدرت در بخش معین قابلیت تعمیم به‌کل شهر را نیز دارد مانند مجموعه نقش‌جهان اصفهان که در دنیا شناخته‌شده است (Carlson, ۱۹۹۳).

بنابراین گروهی از شهرسازان برای آنکه بتوانند در شکل شهر، انسجام ارتباطی ایجاد نمایند، به‌نوعی آنالوژی یا شبیه‌سازی روی آورده‌اند و الگوهای شهری را به زبان بصری تشبیه کرده و ساختار زبان را با ساختار شهر تطبیق دادند. این گروه معتقدند که رابطه میان اجزای شهر یا کلمات برای تشکیل سلسله مراتبی از کل‌ها یا جملات، باید به‌گونه‌ای وجود داشته باشد که بتواند مخاطبان خود را به لحاظ تولید معنی، اقناع نماید؛ شهرهای امروز به دلیل گسستگی رابطه میان واژه‌ها در شیوه‌ای که بتوان از آن‌ها معانی قابل‌درکی استنتاج نمود، مشکل‌ساز شده‌اند، زیرا مهم‌ترین اصلی که معنی را شکل می‌دهد نشانه نیست، بلکه آن، یک کل واحد بیان‌شده است که در ترکیب‌بندی آن نشانه‌ها پدیدار گشته‌اند (King, ۱۹۹۶).

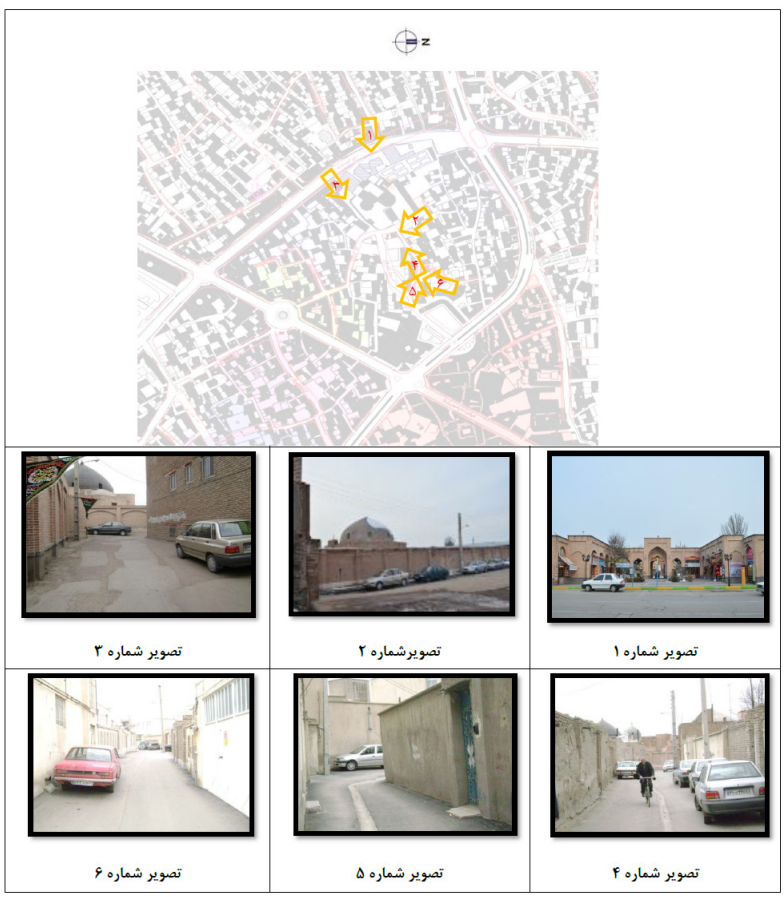
۱-۳- هدف تحقیق

هدف از بررسی این موضوع در تحقیق پیش رو، طراحی فضاهای جمعی و عمومی در پس یافتن عوامل انسجام بخش کالبدی شهر است که در صورت انجام صحیح آن، این فضاها قادر خواهند بود همانند گذشته قلب تپنده شهرهای معاصر باشند و در عین دارا بودن یک عملکرد ویژه و منحصربه‌فرد، بخشی از یک کل منسجم و یکپارچه در خدمت کل شهر قرار بگیرند؛ بنابراین هدف اصلی این پژوهش

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]



۱- عکس کنونی محدوده، مأخذ Google Earth



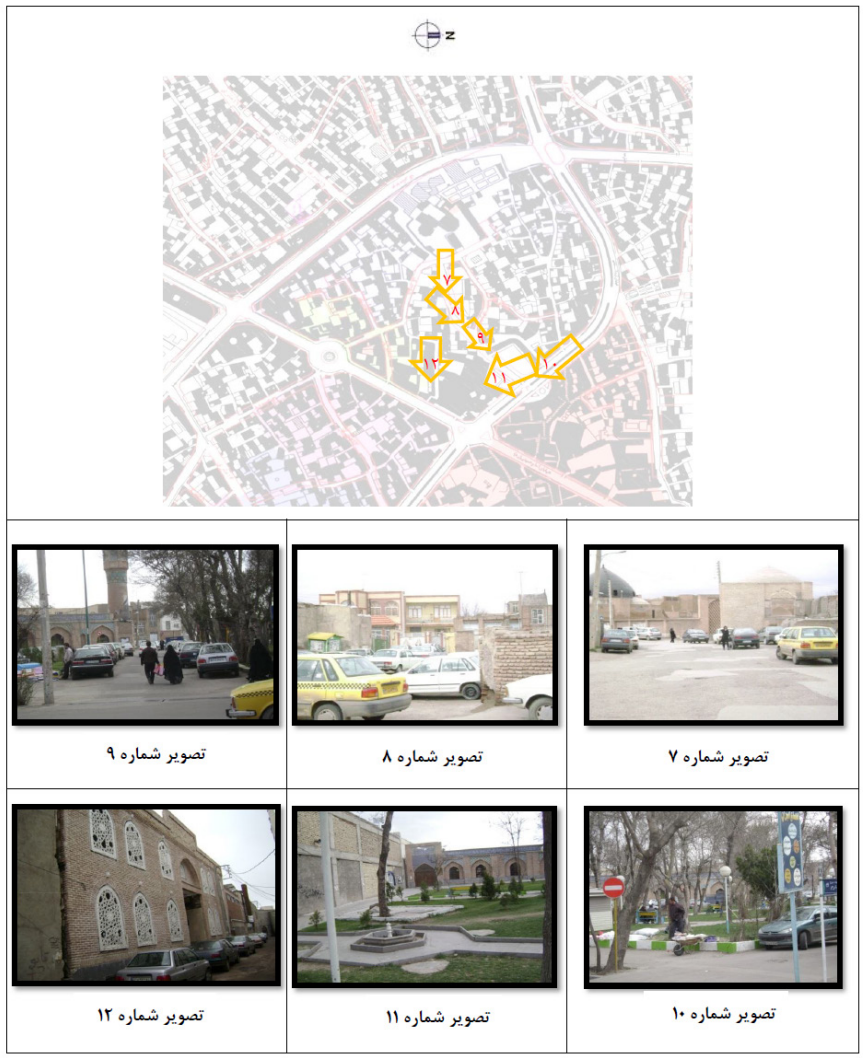
تصویر شماره ۱ | تصویرشماره ۲ | تصویر شماره ۳

تصویر شماره ۴ | تصویر شماره ۵ | تصویر شماره ۶

۱- جدول نقشه و تصاویر محدوده منتخب بافت تاریخی، مأخذ: نگارندگان

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]



۲- جدول نقشه و تصاویر محدوده منتخب بافت تاریخی، مآخذ: نگارندگان

عبارت است از: یافتن عوامل مؤثر در شکل‌گیری یک شهر منسجم و تحلیل و ارزیابی میزان اهمیت فضاهای جمعی و عمومی در رسیدن به پیوستگی کالبد شهری. بر این اساس، پژوهش حاضر بر سؤالات زیر استوار است:

۱- چه عواملی در انسجام کالبدی شهرها تأثیرگذار می‌باشند؟

۲- فضاهای عمومی و جمعی درون شهرها در رسیدن به یکپارچگی و انسجام کالبد شهری چه نقشی ایفا می کنند ؟

بنابراین به علت بداعت و نو بودن موضوع مطرح‌شده، عملکرد آن در طراحی فضاهای قابل زیست انسان معاصر و برگرداندن بخشی از هویت ازدست‌رفته شهرهای کنونی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اهداف طراحی شهری، حائز اهمیت می‌باشد.

۲- روش تحقیق

در این تحقیق برای پاسخگویی به سؤالات ذکرشده از روش اسنادی و میدانی استفاده‌شده است که مراحل انجام آن به ترتیب زیر است.

۱-جمع‌آوری متون از کتاب‌ها و مقالات معتبر، به‌عنوان پیشینه تحقیق در مورد مفاهیم انسجام، فضاهای شهری، بافت تاریخی، شهر اردبیل و محدوده موردبررسی یعنی محله شهید گاه.

۲-تحلیل محتوای اطلاعات حاصل از جمع‌آوری

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

متـون معتبـر و قابـل اسـتناد.
۳-عکس‌بـرداری و گشـت زدن در محیط برای بررسـی وضعیـت موجود و ثبت اطلاعـات لازم و کلیدی.
۴-اسـتفاده از نتایـج یافته‌هـای انجـام پذیرفتـه بـرای تحلیـل عکس‌هـای گرفته‌شـده از مرکـز محلـه شـهید گاه.

۲-۱- سایت پژوهش

نمونـه موردبررسـی در پژوهـش پیـش رو، در شـهر اردبیـل و در میـان دو محلـه عالی‌قاپـو و گازران، تحـت عنـوان «شـهیدگاه» واقع‌شـده اسـت کـه بـه علـت آرمیـدن شـهدای ایرانـی جنـگ چالـدران کـه بـا عثمانی‌هـا در زمـان شـاه اسـماعیل صفـوی روی داد، بـه ایـن اسـم خوانـده می‌شـود. حـال بـه بررسـی اردبیـل و سـپس محـدوده طـرح موردنظـر به‌صـورت اجمالـی پرداختـه می‌شـود: اسـتان اردبیـل یکـی از اسـتان‌های شـمال غربـی ایـران محسـوب می‌شـود. این اسـتان از شـمال به جمهوری آذربایجان، از سـمت غـرب بـه اسـتان آذربایجان شـرقی، از سـمت شـرق به اسـتان گیـلان و کوه‌هـای تالـش و از سـمت جنوب به اسـتان زنجان محدودشـده اسـت. مسـاحت این استان ۱۷۹۵۳ کیلومترمربع (حدوداً ۰۹/۱ درصد از مسـاحت کل کشـور) و جمعیت آن بر اسـاس سرشـماری سـال ۱۳۹۰ برابـر یک‌میلیـون و ۲۴۹ هـزار نفـر می‌باشـد. مرکز این اسـتان شـهر اردبیل است و بـر طبق آخرین تقسـیمات کشوری، شـامل ۱۰ شهرسـتان، ۲۵ بخش، ۲۱ شـهر و ۶۶ دهسـتان می‌شـود. در ۲۲ دی سـال ۱۳۷۱ لایحه اسـتان شـدن اردبیل در مجلس شـورای اسـلامی تصویـب شـد و ایـن اسـتان در ۲۳ فروردیـن سـال ۱۳۷۲ پـس از نزدیـک بـه ۳۰ سـال پیگیـری مـردم اردبیـل، از اسـتان آذربایجـان شـرقی جـدا و به اسـتانی مسـتقل تبدیل شـد. در شـهر اردبیـل ابنیه و آثـار تاریخـی و قدیمـی بسـیاری وجـود دارد کـه یکی از مهم‌تریـن آن‌هـا که محـدوده طراحی این پـروژه در اطـراف آن واقع گشـته اسـت، بقعـه شـیخ صفی‌الدین اردبیلـی می‌باشـد کـه یکـی از ده اثـر باسـتانی مهـم کشـور به شـمار می‌رود. ایـن بنا در سـال ۷۶۵ هجری بنا شـده اسـت و در طول زمان مورداحترام پادشـاهان صفـوی بـوده اسـت. بنـای کنونـی ایـن بقعـه شـامل مجموعـه‌ای از گورهای شـاهان و شـاهزادگان صفوی و چنـد سـاختمان دیگر (ازجمله آرامگاه شـاه اسـماعیل صفوی، مسـجد جنت سـرا، چینی‌خانـه، حرم‌خانه و...) می‌شـود. این اثر سـال ۱۳۸۹ در فهرسـت آثـار جهانی یونسـکو بـه ثبت رسـید.

۳- جمع‌بندی یافته‌ها

بـا توجـه بـه مطالعـات صـورت گرفتـه و جمـع‌آوری مطالـب مرتبـط بـا موضـوع اصلـی پژوهش کـه در آن مسـئله انسـجام کمرنـگ شـده در بافت‌هـای تاریخـی موردبررسـی قرارگرفتـه اسـت، تعاریـف و مفاهیـم این واژه کـه تـا حـدودی میـان بسـیاری از صاحب‌نظـران معمـاری و شهرسـازی مشـترک می‌باشـد، در جـدول زیـر گردآوری‌شـده اسـت.

در جـدول فـوق برخـی از اصـول اشاره‌شـده مشـترک هسـتند یـا تفـاوت اندکـی در مفهـوم آن‌ها بـا یکدیگر وجـود دارد و برخـی نیـز با یکدیگـر همپوشـانی دارند و در حقیقـت یکـی زیرمجموعـه دیگـری اسـت، گاهی نیـز یـک مفهـوم دارای دو واژه تعریف کننده اسـت که در عمـل ایـن دو واژه تفـاوت چندانـی ندارنـد و بسـته بـه زاویـه دیـد نظریه پـردازان گوناگـون کالبـد جدید یافتـه انـد. بـر اسـاس جـدول فـوق، آنچه که ذکر شـد و تعـدد اشـتراک چنـد صاحبنظـر بـر روی یـک عامل مـی تـوان مهمتریـن عوامـل انسـجام بخشـی یـه یک کالبـد شـهری را نظم و هماهنگی، وحـدت، زنده و پویا بـودن، دارا بودن سـاختار و ارتباط میان اجـزا و ارتباط جـز بـا کل، سـادگی در عیـن پیچیدگـی، رشـد و نمو شـهر همچـون یـک موجـود زنده و بـر اسـاس نیازها و ویژگی‌هـای موجـود و در پیونـد بـا گذشـته و برخـی ویژی‌هـای کالبـدی و فیزیکـی نظیـر تقـارن، تنـاب، ریتـم، محوریـت، مرکزیـت، تبایـن و ... بیـان نمود.

۴- تحلیل یافته‌های پژوهش

بـا توجـه بـه جمع‌بنـدی مطالـب بـه دسـت آمـده از طریـق مطالعـات اسـنادی و عکس‌هـای گرفته‌شـده از نمونـه مـوردی منتخـب در مطالعات میدانـی پژوهش

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

جدول ۳. اصول انسجام‌بخشی، مآخذ: نگارندگان

صاحب‌نظران	اصول انسجام‌بخشی
پاتریک گدس	دارا بودن ۱- نظم سازمند، ۲- توسعه و رشد در عین حفظ ساختارهای گذشته، ۳- پیوند و در هم تنیدگی فضا
لوییس مامفورد	دارا بودن ۱- وحدت، ۲- نظم سازمند، ۳- توسعه و رشد در عین حفظ ساختارهای گذشته
ابر کرومبی	دارا بودن ۱- توسعه و رشد، ۲- ارگانیک و زنده بودن، ۳- آگاهی نسبت به فضا
کوین لینچ	دارا بودن ۱- نظم سازمند، ۲- ارگانیک و زنده بودن، ۳- پیوند و در هم تنیدگی، ۴- ساختار، ۵- هماهنگی، ۶- وحدت
کلیف ماتین	دارا بودن ۱- وحدت، ۲- ترکیب، ۳- سادگی، ۴- محوریت
ادموند بیکن	دارا بودن ۱- ساختار،۲- ارتباط، ۳- نظم، ۴- وحدت
کریستوفر الکساندر	داشتن یک نظم سازمند در کنار وجود یک فرآیند به همراه رعایت اصول: ۱- رشد تدریجی و ذره‌ذره، ۲- رشد کل‌های بزرگ‌تر، ۳- ژرف‌نگری و دید، ۴- فضای شهری مثبت، ۵- آرایش بناهای بزرگ، ۶- ساختمان، ۷- شکل‌گیری مراکز
نیکوس سالینگاروس	دارا بودن ۱- توسعه و رشد، ۲- پیچیدگی، ۳- ارتباط
محمود توسلی	رعایت اصول: ۱- فضاهای داخلی و فضاهای خارجی، ۲- هم پیوندی واحدهای مسکونی و عناصر شهری، ۳- محصورت فضا، ۴- مقیاس و تناسب، ۵- فضاهای متباین، ۶- قلمرو، ۷- ترکیب، ۸- آگاهی از فضا
نوین تولایی	دارا بودن ۱- هماهنگی، ۲- تقارن، ۳- تناسب ، ۴- ریتم، ۵- مقیاس انسانی

حاضر، تعدادی از این عکس‌ها انتخاب شده، سپس با استفاده از جمع بندی مطالب مذکور تحلیل گشته، راهکارهایی کلی و نیازمند تدقیق و تحقیق بیشتر ارائه شده و در نهایت حاصل آن به صورت جدول زیر بیان گردیده است.

۵- نتیجه‌گیری و جمعبندی

با توجه به بررسی های صورت گرفته از طریق مطالعات اسنادی و میزان توافق بیشتر آرای صاحب نظران روی یک مفهوم مشخص، می توان نوع نگاه آن ها را در سه دسته جمع بندی نمود:

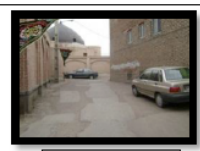
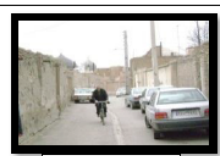
۱- وجود نظمی سازمند که بیانگر نگاه به شهر به عنوان یک موجود زنده و پویا می باشد که این موجود در درون خود از ساختار منعطف و رشد یابنده در گذر زمان و با حفظ ساختار های اصلی برخوردار است. این نظم صرفا نظمی ارگانیک نیست، بلکه گاهی بر حسب نیاز، یک فضا می تواند از نظمی هندسی نیز بهره مند گردد.

۲- توجه به هر بخش از کالبد شهر و عملکرد آن به مثابه جزئی از یک کل بزرگ تر که در هماهنگی با سایر اجزا عمل می کند و نمی توان آن را از محیط پیرامون و یا کل شهر جدا نمود و این موضوع بیان می کند که هر فضای شهری در عین استقلال و وحدت ، عملا جزئی از فضای پیرامونی بزرگ تر از خویش است و نه تنها به فضای اطراف خود شکل می بخشد، بلکه از آن نیز تأثیر می پذیرد و این همان مفهوم وحدت در عین کثرت است.

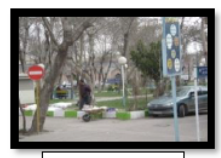
۳- توجه به اصول فیزیکی – کالبدی و گاه حسی فضاها نظیر مقیاس انسانی، تقارن، تناسب، ریتم، ترکیب، تعادل، محصوریت، تباین، تضاد، قلمروها و سلسله مراتب گوناگون فضایی- کالبدی، محوریت، مرکزیت و ... که نمود عینی آن چیزی است که یک شهروند از فضای اطراف خود میبیند و شهر را توسط

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]



تصویر	مشکلات وضعیت موجود بافت	پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت بافت
 تصویر شماره ۳	در این تصویر، به علت انجام عملیات های عمرانی و زیر ساختی متعدد، پوشش آسفالت کف به صورت تکه تکه و فاقد وحدت، نظم، هماهنگی و محوریت و هدایت کنندگی می باشد، همچنین جداره ها نیز علی رغم نوسازی، از لحاظ تمیزی و استفاده از مصالح و تناسبات بسیار نامطلوب می باشد و حس ورود به یک بافت تاریخی علی رغم وجود معبری ارگانیگ و پیچ در پیچ که در ابتدای مسیر واقع شده است به علت نوسازی فاقد برنامه و بدون در نظر گرفتن وحدت و هماهنگی با کل بافت وجود ندارد و این فقدان، موجب استفاده از فضا به عنوان محلی برای پارک خودروها گشته است.	برای بهبود وضعیت این بخش، علاوه بر استفاده از کفسازی های مناسب اقلیم منطقه (سرد و کوهستانی)، یابد به نحوه چیدمان عناصر در کف نیز توجه کرد تا علاوه بر خوانایی و جذابیت بصری، حس هدایت کنندگی در طول مسیر نیز به عابران القا شود. همچنین با بهره گیری از ویژگی رازآلودگی و ابهام فضا بر اثر ارگانیک بودن معابر و با ایجاد تنوع در جداره می توان فضاهای متباینی خلق نمود که میزان تمایل به استفاده از این مسیر به صورت پیاده را افزایش دهد و در نهایت نیز انسجام و یکپارچگی فضایی از طریق تباین مناسب فضایی، محوریت کف، عناصر هندسی جداره نظیر ریتم، تقارن، تناسب، تعادل، ترکیب و ... و وحدت در کف و جداره حاصل گردد.
 تصویر شماره ۴	این تصویر، بیانگر نابسامانی شبکه های دسترسی و عدم توجه به سلسله مراتب در وضعیت کنونی بافت تاریخی مورد بررسی می باشد؛ همچنین تفاوت و ناهماهنگی بخش های قدیمی با بخش های نوسازی شده از نظر نظم اجزا، مصالح، ارتفاع ها و .. کاملا مشخص است، به نحوی که ارتباط، تناسب، مقیاس انسانی و وحدت فضایی مشاهده نمی گردد.	برای ساماندهی وضعیت شبکه معابر ناخوانای بافت، طراحی مجدد یک شبکه معابر برای بافت با توجه به سلسله مراتب دسترسی، امری ضروری و پر اهمیت می باشد، همچنین توجه به تناسبات و جنس مصالح نما و کاهش جداره های صلب محیط با فعال تر نمودن آن از طریق ایجاد کاربری های تجاری خرد مقیاس یا دستفروشی های سامان یافته (اگر به علت تاریخی بودن امکان ایجاد تغییر در کالبد وجود ندارد) نیز می تواند به تجدید حیات و سرزندگی هر چه بیشتر فضا کمک نماید.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

 تصویر شماره ۸	این تصویر، حاکی از اغتشاشات ایجاد شده در سیمای بصری به علت ناهماهنگی نماهای قدیمی تر با نماهای جدید در ارکان و اجزا و ورود و پارک ماشین ها در فضای شهری و محل های قابل تجمع و اختصاص یافته به شهروندان و عدم ترکیب و پیوند اجزای مختلف فضا، عدم وجود محصوریت های مناسب فضایی، عدم حس مقیاس انسانی و تشدید حس گمگشتگی و در نهایت فقدان وحدت و هماهنگی می باشد.	در مرحله اول، بهتر است که محل پارک خودروها، به نقطه دیگری از بافت که ترجیحا در لایه دوم کاربری هاست و مغایرتی با کاربری های موجود ندارد، انتقال یابد و در مرحله بعدی، راهکارهایی برای بهسازی و هماهنگی نماهای جدید و قدیمی از نظرمصالح، ارکان، اجزا، تناسبات و خط آسمان مطلوب ارائه گردد و با طراحی فضاهای باز در مقابل توده های ساختمانی (تعادل توده و فضا)ضمن ایجاد محصورت های مناسب، سرزندگی و میزان استفاده شهروندان از فضا (اجتماع پذیری) را ارتقا داد و در مرحله نهایی نیز می توان با افزایش گیاهان، گلدان ها، بهره گیری از مصالح بومی با تنوع رنگی مناسب در بخش هایی از کف ها و جداره ها، حس تعلق شهروندی فضا را بهبود بخشید.
 تصویر شماره ۱۰	این تصویر، عدم وجود یک فضای سبز از پیش اندیشیده، طراحی شده و دارای انسجام با کل بافت و فاقد حس مقیاس انسانی علی رغم حضور درختان در محیط را نشان می دهد که به محل پارک خودروها تبدیل شده است و نتوانسته فضایی برای تجمع و حضور مداوم شهروندان را علی رغم قرار گیری در کنار یک بافت تاریخی و پر اهمیت و با پتاسیل بالا، فراهم نماید.	برای تبدیل فضای غیر قابل استفاده به فضایی تجمع پذیر برای شهروندان، فضای سبز مورد نیاز بافت، بهتر است بر اساس بوم و اقلیم منطقه طراحی شود و شرایط راحتی و آسایش شهروندان برای حضور و ماندن در فضا ایجاد گردد و علاوه بر آن از نصب تابلوهای ایجاد کننده اغتشاش بصری در کنار یک فضای سبز آرامش بخش نیز، پرهیز گردد و پارک خودروها نیز به محل دیگری انتقال باید.

۴- جدول تحلیل و بررسی محدوده تاریخی منتخب بر اساس عوامل انسجام بخشی به دست آمده

آن ها به خاطر می سپارد.

که با بهره گیری از این اصول و کار بست آن ها در تحلیل تصاویر برگرفته از مطالعات میدانی بافت تاریخی شهیدگاه اردبیل، می توان به نتایج زیر دست یافت:

۱- عدم وجود سلسله مراتب معابر و اجازه ورود خودرو تا کناره های جداره تاریخی و یک بنای ارزشمند و فقدان طرحی کل نگر برای در نظر گرفتن محل مناسب کاربری ها از جمله پارکینگ سبب گشته تا یک فضای با ارزش تاریخی و با پتانسیل جذب گردشگری بالا در کنار ارتقای مفهوم پیاده مداری و حضورپذیری استفاده کنندگان، از کاربری اصلی و شایسته خود فاصله گرفته و نتواند به عنوان جزئی از یک کل واحد، به شهر اتصال یابد.

۲- فضای بررسی شده به علت کنار هم قرار گرفتن ساختمان‌های جدید و قدیمی، فاقد ترکیب مناسب به لحاظ انتخاب شکل عناصر به‌کاررفته در نما و ارتباط آن‌ها، جنس مصالح، تعداد طبقات، عقب نشستگی‌ها در یک جداره‌ها و فقدان خط آسمان هماهنگ در برخی نقاط می‌باشد.

۳- به علت تخریب برخی ساختمان‌ها، فضاهای خالی قابل‌استفاده‌ای ایجادشده است که به دلیل عدم برنامه‌ریزی صحیح، این مناطق تبدیل به محلی برای پارکینگ خودروهای شخصی اطراف بقعه تاریخی شیخ صفی گشته است که علاوه بر ایجاد دیدهای نامطلوب، امکان ایجاد مراکز مفید برای تبدیل به فضاهای شهری جهت ایجاد تعاملات سازنده اجتماعی میان ساکنان ازمیان‌رفته است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

۴- بـه نظـر می‌رسـد کـه علـی رغـم وجـود تبایـن و تنـوع فضایـی در برخـی نقاط بـه علت ارگانیـک بودن بافـت، به علـت عدم پرداخت مناسـب بـه آن، این فضا نتوانسـته اسـت جمعیـت مشـخصی را جذب نمـوده و درخود نگـه دارد.

۵- عـدم وجـود کفسـازی یکپارچـه و همگـن بـا نوع کاربری‌هـای اطـراف، فقـدان جهـت دهـی و هدایـت کنندگی آن و همچنین اسـتفاده از پوشـش نامناسـب آسـفالت در اغلب مناطق نیز انسـجام بصری و درنتیجه انسـجام کالبـدی را از بیـن بـرده و خوانایی مسـیر را با مشـکل مواجه نموده اسـت

درنتیجـه مـی تـوان بیـان نمـود کـه فضـای شـهری مذکـور در عیـن دارا بـودن ضعـف هـای بسـیار و عـدم انسـجام و پیوسـتگی کالبـدی، از پتانسـیل های بالایـی نیـز برخـوردار اسـت کـه یکـی از مهمترین آن هـا قرارگیـری این فضـا در داخـل یک بافت ارزشـمند تاریخـی و در جـوار بقعـه شـیخ صفی الدین می باشـد و همین امر شـرایط بسـیار مناسـبی را به لحاظ امکان تبدیـل فضـا بـه یـک محیـط گردشـگری بـا بـازده اقتصـادی بـه همـراه فضایـی پویـا، سـرزنده و اجتمـاع پذیـر بـرای سـاکنان آنجـا فراهـم مـی آورد بـه شـرط آنکـه بتـوان نقـاط ضعـف را برطـرف کـرده و از آن هـا فرصـت هایـی را خلق نمود تـا علاوه بر پاسـخگویی به نیازهـا، بـه عنوان بخشـی از یـک کل منسـجم و واحد یعنـی شـهر محسـوب گـردد. در نهایـت، بایـد بـه این نکتـه اشـاره کـرد کـه حـل تمـام مسـائل و مشـکلات بیان‌شـده، بـدون وجـود یکپارچگـی و انسـجام در سیسـتم مدیریتـی و همچنیـن مشـارکت شـهروندان، امـری غیرممکـن اسـت؛ زیـرا کـه برگرداندن انسـجام بـه بافت‌هـای تاریخی، امـری زمان‌بر و گاهـی پرهزینه می‌باشـد کـه بایـد در سـایه همـکاری و مشـارکت مسـئولان و شـهروندان صـورت پذیـرد.

ایـن پژوهش، سـعی داشـته اسـت کـه گامـی روبه‌جلو بـرای توجـه هرچـه بیشـتر بـه بافت‌هـای تاریخـی و فضاهای ارزشـمند نهفته در آن‌ها باشـد و پژوهش‌های آتـی می‌تواننـد در راسـتای حـل مشـکل یکپارچگـی آن‌هـا از طریـق ارائه راهکارهـای اجرایی، انجـام گیرند.

منابع و مآخذ

۱-بیـگ زاده شـهرکی، حمیدرضـا (۱۳۹۲)، حفاظـت از بافـت تاریخی شـهر یـزد و کاهش آسـیب‌پذیری آن بـا تأکیـد بـر بحـران ناشـی از زلزلـه، مجلـه چیدمـان، شماره ۳

۲-پاکـزاد، جهانشـاه (۱۳۸۶)، راهنمـای طراحـی فضاهـای شـهری، انتشـارات شـهیدی، تهـران.

۳-توسـلی، محمـود (۱۳۶۹)، اصـول و روش‌هـای طراحـی شـهری و فضاهـای مسـکونی در ایـران، انتشـارات مرکـز مطالعـات و تحقیقـات شهرسـازی و معمـاری ایـران، تهـران.

۴-تولایـی، نویـن (۱۳۸۶)، شـکل شـهر منسـجم، انتشـارات امیرکبیـر، تهـران.

۵-دینـاری، احمـد (۱۳۸۴)، گردشـگری شـهری در ایـران و جهـان، انتشـارات واژگان خـرد، مشـهد.

۶-فلامکـی، محمـد منصـور (۱۳۸۴)، نوسـازی و بهسـازی شـهری، انتشـارات سـمت، تهـران.

۷-کـورت گروتـز، یـورگ (۱۳۸۸)، زیبایی‌شناسـی در معمـاری، ترجمه جهانشـاه پاکـزاد و عبدالرضا همایون، انتشـارات دانشـگاه شهید بهشـتی، تهران.

۸-موحد، علی (۱۳۸۶)، گردشـگری شـهری، انتشارات دانشـگاه شـهید چمران اهواز، اهواز.

۹-مـوره، ژان پیـر (۱۳۷۳)، فضاهای شـهری: طراحی، اجـرا، مدیریـت، ترجمه محسـن رسـول، میرمعزالدین مجابـی و حسـین رضایـی، انتشـارات دانشـگاه علـم و صنعـت، تهران.

10-Abercrombie, P. (2001). Town and country planning. London: Routledge/Thoemmes Press.

11-Alexander, C., Neis, H., Anninou, A., & King, I. F. (1987). A New theory of urban design. New York: Oxford University Press.

12-Alexander, C. (2004). The nature of order: An essay on the art of building and the nature of the universe. London: Taylor & Francis.

13-Attoe, W. (1981). Skylines: Understanding and

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

molding urban silhouettes. Chichester: Wiley.
14-Bacon, E. N. (1992). Design of cities. London: Thames and Hudson.
15-Carlson, M. (1993). Places of performance: The semiotics of theatre architecture. Ithaca, N.Y: Cornell University Press.
16-Chermayeff, S., & Alexander, C. (1966). Community and privacy: Toward a new architecture of humanism. Harmondsworth: Pelican Books.
17-Doxiadis, C. A. (March 01, 1975). The symbols we need. Ekistics, 39, 232, 133-136.
18-Geddes, P. (2012). Cities in Evolution: An introduction to the town planning movement and to the study of civics. Maimi: HardPress Publishing.
19-Hall, P. (July 01, 1995). Bringing Abercrombie back from the shades: a look forward and back. Town Planning Review, 66, 3, 227.
20-Jacobs, J. (2011). The death and life of great American cities. New York: Modern Library. Norton, B. et al (1994), Encyclopedia Britanica, London, Routledge.
21-King, R. (1996). Emancipating space: Geography, architecture, and urban design. New York ; London: The Guilford Press.
22-Lynch, K. (2001). Good city form. Cambridge, Mass. u.a.: MIT Press.
23-Madanipour, A. (2005). Public and private spaces of the city. London: Routledge.
24-Moughtin, C., & Mertens, M. (2008). Urban design: Street and square. Oxford: Butterworth-Heinemann.
25-Mumford, L. (2009). The city in history: Its origins, its transformations, and its prospects. San Diego, Calif: Harcourt.
26-Norton, B. et al., 1994, Encyclopedia Britanica, London, Routledge.
27-Sitte, C. (2013). The art of building cities: City building according to its artistic fundamentals. Mansfield Centre, Conn: Martino.
28-Tibbalds, F., & Taylor & Francis. (2005). Making people-friendly towns: Improving the public environment in towns and cities. London: Taylor & Francis Group.
29-Trancik, R. (1986). Finding lost space: Theories of urban design. New York: Van Nostrand Reinhold.
30-Salingaros, Nikos.A, Division of Mathematics, University of Texas at San Antonio, San Antonio, TX 78249, USA. Journal of Urban Design, vol. 5 (2000), pages 291-316.
31-Zukin, S., & Blackwell Publishers. (2012). The cultures of cities. Malden, Mass: Blackwell Publishers.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]